

یک جبهه ی جنگ دوجانبه...

بنابراین، توصیف اینه که او در تمام طول زندگی و خدمتش از قلمرو خودش دفاع می کنه. به هر حال، چیزی که ازتون می خوام ببینین، اینه که در گیری مسیح در جنگ روحانی متمرکز بر یک جبهه ی جنگ دو جانبه، است. مطمئن بشید که منظورمو متوجه شده باشید. مسیح بر ضد هر دوی شر اخلاقی و شر طبیعی می جنگد. جنگ روحانی عیسی اینه که او در حال جنگیدن بر ضد شر اخلاقی و شر طبیعی است.

می خوام تفاوت بین این دو را به شما نشون بدم. شر اخلاقی به طور عمده شامل گناه میشه. شر اخلاقی، شرارت، بی عدالتی، تجاوز و گناه هست. این همون شریری هست که بهش اعتقاد داریم و شری که انجامش می دیم. شیطان ما را به گناه وسوسه می کند. شر اخلاقی شامل گناه میشه، اما این تنها توصیف شریری که می بینیم نیست. ما همچنین در تمام کتاب مقدس و اناجیل شر طبیعی را که به طور عمده شامل رنج و عذاب می شود، می بینیم. اینها چیزهایی نیست که الزاماً انجامش بدیم، اما چیزهایی هستند که ممکنه برامون اتفاق بیفته. ممکنه که به صورت بلایای طبیعی و یا بیماری به ظهور برسه. این متفاوته. شره، اما مانند گناه شر اخلاقی نیست. متفاوته. شر طبیعی شامل درد و رنج میشه.

حالا، به طور قطع، آنها به هم وصل شده اند؛ شر اخلاقی سرانجام و نتیجه ی شر طبیعی. جریان به خیلی قبل، از همون ابتدا بر می گرده. ما اتفاقات مصیبت باری مثل بلایای طبیعی، گرد بادهای، و طوفان ها را به عنوان نتیجه ی ورود گناه به این دنیا در پیدایش باب ۳ داریم. بیماری داریم. حال، اگر به سادگی مریض می شویم، به این معنی نیست که یک گناه مستقیماً باعث اون شده، اگر چه که، عاقبت، شر اخلاقی نتیجه ی شر طبیعی است. اینجا دو نوع مختلف شر را داریم. حالا، سؤال اینه که، "چگونه شیطان با این دو مرتبط است؟"

شیطان یک دروغ گوست کسی که بر شر اخلاقی دامن می زند. او ما را به گناه کردن، تحریک می کند، اما او همچنین یک قاتل است کسی که شر طبیعی را به کار می گیرد؛ او باعث اعمال رنج و عذاب، می شود. از شما می خوام که با من برای یک دقیقه به این مسئله که مسیح چگونه با هر دو شر اخلاقی و طبیعی مقابله می کنه، فکر کنین، و می خوام که در مورد اینکه چه طور او با روشهای مهم و کمی متفاوت با آنها مقابله می کنه، فکر کنین. مسیح بر ضد شر اخلاقی و شر

طبیعی به طور متفاوت می‌جنگد ، به طور متفاوت. او چگونه با شر اخلاقی جنگید؟ او با شر اخلاقی از طریق یک ابزار اولیه و عمده جنگید. مطمئن بشید که این رو متوجه شدید. مسیح از اعلان حقیقت برای جنگیدن با شر اخلاقی استفاده کرد. ما این را از همون اول می‌بینیم. همون طوری که در بیابان توسط شیطان وسوسه میشه از کتاب مقدس نقل قول می‌کنه. او با وسوسه ی به گناه از طریق حقیقت مقابله می‌کنه. سپس، زمانی که به ابتدای خدمتش نگاه می‌کنیم، اولین پیغامی که از دهانش بیرون می‌آید، اینه ، «توبه‌کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است»

۱۲ و چون عیسی شنید که یحیی گرفتار شده‌است، به جلیل روانه‌شد، ۱۳ و ناصره را ترک کرده، آمد و به کفرناحوم، به کناره دریا در حدود زبولون و نفتالیم ساکن شد. ۱۴ تا تمام‌گردد آنچه به زبان اشعای نبی گفته شده بود ۱۵ که «زمین زبولون و زمین نفتالیم، راه دریا آن طرف اُزُن، جلیل امت‌ها؛ ۱۶ قومی که در ظلمت ساکن بودند، نوری عظیم دیدند و بر نشینندگان دیار موت و سایه آن نوری تابید.» ۱۷ از آن هنگام عیسی به موعظه شروع کرد و گفت: «توبه‌کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.» (متی ۱۲: ۴-۱۷).

در مکالمات زیادی که با مردم داشت، کاری که مسیح می‌کنه اینه که گناهان رو افشا می‌کنه. قطعاً، این مسئله در رویا رویی او با رهبران مذهبی، افراد ریاکار، و فریسیان خیلی رایج بود. او گناهان آنها رو افشا می‌کنه ، و او خواستار توبه است. عیسی گناهان آنها رو افشا می‌کنه ، و برای آنها خواستار توبه است. بهش فکر کنین. زمانی که عیسی به گناهان ریاکاران مذهبی ، فریسیان، می‌پرداخت، آیا هرگز از آنها دیوی اخراج کرد؟ نه. او نگفت، " شما دیو غرور دارید. خارج شو. دیو ریاکاری، خارج شو. دیو بت پرستی، خارج شو. دیو خود رأیی یا دیو پول پرستی، خارج شو." نه. هر زمانی که به شر اخلاقی می‌پرداخت، به سادگی گناه آنها را در معرض حقیقت قرار می‌داد و از آنها می‌خواست که توبه کنند. این چگونگی جنگ او با شر اخلاقی بود، از طریق اعلان حقیقت، و افشا کردن گناه ، و تقاضای توبه کردن.

اگر چه، مسیح همیشه از اعلان حقیقت برای جنگیدن با شر اخلاقی استفاده می‌کرد، با این حال او همیشه از یک نمایش قدرت برای جنگیدن با شر طبیعی، استفاده می‌کرد. مسیح چگونه به شر طبیعی مثل مریضی و درد و رنج پاسخ خواهد داد؟ به طور قطع او همچنان حقیقت خداوند را اعلان خواهد کرد، اما او همچنین قدرت خدا را با نمایش قدرت خود بر مریضی و درد و رنج اثبات خواهد

کرد، و می خوام که با من به موضوع این توجه کنید، در متن هایی که مسیح در حال اخراج دیو هاست، او در حال رویا رویی با شر طبیعی است نه شر اخلاقی.

به مرقس باب ۳، نگاه کنید، ۱۰ زیرا که بسیاری را صحت می داد، بقسمی که هر که صاحب دردی بود بر او هجوم می آورد تا او را لمس نماید. ۱۱ و ارواح پلید چون او را دیدند، پیش او به روی در افتادند و فریادکنان می گفتند که "تو پسر خدا هستی" ۱۲. و ایشان را به تأکید بسیار فرمود که او را شهرت ندهند. (مرقس ۱۰: ۳-۱۲). سپس، به متی باب ۴ بیایید، و او در حال شفا دادن هر درد و بیماری ای در بین مردم است. و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت، و جمیع مریضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند. آیا جایی را که دیو زدگان ذکر شده اند می بینید؟ آنها در متی مشابه با کسانی که مریضی، درد و تشنج داشتند و کسانی که فلج بودند، ذکر شده اند.

۲۳ و عیسی در تمام جلیل میگشت و در کنایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه همی نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا میداد. ۲۴ و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت، و جمیع مریضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند، و ایشان را شفا بخشید. ۲۵ و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولس و اورشلیم و یهودیه و آن طرف اُزُن در عقب او روانه شدند. (متی ۲۳: ۴-۲۵).

۱۷ و با ایشان به زیر آمده، بر جای هموار بایستاد و جمعی از شاگردان وی و گروهی بسیار از قوم، از تمام یهودیه و اورشلیم و کناره دریای صور و صیدون آمدند تا کلام او را بشنوند و از امراض خود شفا یابند. ۱۸ و کسانی که از ارواح پلید معذب بودند، شفا یافتند ۱۹ و تمام آن گروه می خواستند او را لمس کنند زیرا قوتی از وی صادر شده، همراه صحت می بخشید. (لوقا ۱۷: ۶-۱۹).

اینجا جایی است که دیو زدگان ذکر شده اند. این توصیفی است که از بیماری ها و ارواح شریر در لوقا باب ۷ می بینیم. ۲۱ در همان ساعت، بسیاری را از مرضها و بلایا و ارواح پلید شفا داد و کوران بسیاری را بینایی بخشید. (لوقا ۲۱: ۷).

۱۰ و روز سبت در یکی از کنایس تعلیم می‌داد ۱۱ و اینک زنی که مدت هجده سال روح ضعیف می‌داشت و منحنی شده، ابتدا نمی‌توانست راست بایستد، در آنجا بود ۱۲ چون عیسی او را دید وی را خوانده، گفت: “ای زن از ضعف خود خلاص شو” ۱۳ و دست‌های خود را بر وی گذارد که در ساعت راست شده، خدا را تمجید نمود ۱۴. آنگاه رئیس کنیسه غضب نمود، از آنرو که عیسی او را در سبت شفا داد. پس به مردم توجه نموده، گفت: “شش روز است که باید کار بکنید. در آنها آمده شفا یابید، نه در روز سبت” ۱۵. خداوند در جواب او گفت: “ای ریاکار، آیا هر یکی از شما در روز سبت گاو یا الاغ خود را از آخور باز کرده، بیرون نمی‌برد تا سیر آیش کند؟ ۱۶ و این زنی که دختر ابراهیم است و شیطان او را مدت هجده سال تا به حال بسته بود، نمی‌بایست او را در روز سبت از این بند رها نمود؟” ۱۷ و چون این را بگفت همه مخالفان او خجل گردیدند و جمیع آن گروه شاد شدند، بسبب همه کارهای بزرگ که از وی صادر می‌گشت. (لوقا ۱۳: ۱۷).

بنابراین، نکته اینجاست. در یاد داشته‌اتون به پایان این بخش بیایید، زیر لوقا باب ۱۳. اینجا توصیف جنگ روحانی در مسیح رو داریم. مسیح دیوها رو در موارد شر اخلاقی، که در درجه ی اول با گناه در ارتباط بود، بیرون نمی‌کند. در عوض، مسیح در حال اخراج دیوها در موارد شر طبیعی است که در درجه ی اول با درد و رنج ارتباط دارد. آیا متوجهش شدید؟ این خیلی مهمه. مسیح به کسانی که دیو زده بودند اساساً به عنوان کسانی که رنج می‌کشند و نیازمند راحتی هستند، نزدیک می‌شود، نه به عنوان گناه کارانی که نیازمند توبه اند.

حال، قطعاً زمانهایی بوده که او به هر دو اشاره داشته. دو مثال از این قضیه، زمانی است که مرد لنگی را در مرقس باب ۲ یا یوحنا باب ۵ می‌بینیم، و مسیح آنها را شفا داد، اما بعد همچنین اقتدار خود را برای بخشیدن گناهانشان اعلام کرد، اما این مسئله در اینجا مشابه آن نیست. مرقس باب ۵ واقعاً مثالی اصلی از نزدیک شدن مسیح به یک شخص دیو زده است، و متن این رو نمی‌گه که این مرد دیو‌هایی از گناه داشت که او را کنترل می‌کردند. حال، واضحه که او مثل دیوانه‌ها رفتار می‌

کرد، و قطعاً گناهکار بود، اما تأکید بر رنج و عذابی است که او از دیو زدگی می کشید، و مسیح او را از آن اسارت آزاد می کند.

حالا، این متن شامل مقابله ی مسیح با شر اخلاقی و شر طبیعی به روشهای متفاوت است. در رابطه با شر اخلاقی، او می گوید، "حقیقت خدا این است. توبه کنید." این جنگ روحانی بر ضد شر اخلاقی در خدمت عیسی است. زمانی که به اخراج شدن ارواح شریر می رسیم، این جنگ روحانی است که در آن مسیح با شر طبیعی مقابله می کند، و این زمانی است که او در حال اخراج دیو هاست. نمی بینیم که او دیوهای گناه را اخراج کند. او را در حال اخراج دیوهای رنج و عذاب می بینیم. حالا این حقیقت را به خاطر بسپارید. این حقیقت خیلی مهمیه.

کلیسا و جنگ روحانی

آیا ما دقیقاً همانطور که عیسی در جنگ روحانی جنگید، می جنگیم؟

حال، وارد مبحث کلیسا و جنگ روحانی می شیم. ، ما به عهد عتیق و جنگ روحانی نگاه کردیم. سپس، به عیسی نگاه کردیم، و الان کلیسای عهد جدید رو مشاهده خواهیم کرد. که در چه چیزهایی متفاوتند و در چه چیزهایی مشابهند. اینجا است که باید سؤالات بنیادی را بپرسیم، "آیا ما دقیقاً همان طور که عیسی در جنگ روحانی جنگید، می جنگیم؟" اون سؤال مهمیه. چیزی که من رو متقاعد کرده اینه که عهد جدید این مسئله و موارد بسیار دیگری را که به آنها می پردازیم به ما می آموزد، که مشابه مسائلی است که عیسی به آنها می پرداخت. آنها مسائل مشابهی هستند. اگر چه، ما به آن مسائل به روشهای متفاوتی می پردازیم. اغلب اوقات، ما به آنها به روشهای خیلی مجزا و متفاوت می پردازیم.

من یک دقیقه می خوام دامنه افکار شما رو گسترش بدم. شما لازمه که بدونین، "این در دنیا تا کجا پیش میره، و چه ربطی به جنگ روحانی داره؟" زتون می خوام که فقط برای یک لحظه به اینکه مسیح چه طور به چنین مسائل مشابهی می پرداخت، فکر کنید، و بعد از اون ما چه طور قراره که به مسائلی مشابه اما به روشهای کاملاً متفاوت بپردازیم. تفاوتهای واضحی بین ما و مسیح وجود دارد. در مورد پرداختن مالیات فکر کنید.

۲۴ و چون ایشان وارد کفرناحوم شدند، محصلان دو درهم نزد پطرس آمده، گفتند: «آیا

استاد شما دو درهم را نمی دهد؟» ۲۵ گفت: «بلی.» و چون به خانه درآمده، عیسی بر

او سبقت نموده، گفت: «ای شمعون، چه گمان داری؟ پادشاهان جهان از چه کسان عشر و جزیه می گیرند؟ از فرزندان خویش یا از بیگانگان؟» ۲۶ پطرس به وی گفت: «از بیگانگان.» عیسی بدو گفت: «پس یقیناً پسران آزادند! ۲۷ لیکن مبدا که ایشان را برنجانیم، به کناره دریا رفته، قلابی بینداز و اول ماهی که بیرون می آید، گرفته و دهانش را باز کرده، مبلغ چهار درهم خواهی یافت. آن را برداشته، برای من و خود بدیشان بده!» (متی ۲۲: ۱۷-۲۷).

وصول کنندگان مالیات دارن از پطرس می پرسن، «آیا استاد شما دو درهم نمی دهد؟» آنها این مکالمه را انجام می دهند، و مسیح به پطرس می گوید، «به کناره دریا رفته، قلابی بینداز و اول ماهی که بیرون می آید، گرفته و دهانش را باز کرده، مبلغ چهار درهم خواهی یافت. آن را برداشته، برای من و خود بدیشان بده.» بنابراین، مسیح، چگونه مالیات رو پرداخت، مسیح یک ماهی گرفت و مالیات رو پرداخت کرد. آیا ما هم قرار است که کار مشابهی بکنیم، ماهی ای بگیریم و مالیاتی رو بدیم؟ نه، کتاب مقدس به ما می آموزه که کار کنیم و مالیات بپردازیم. متی ۱۶: ۲۲-۲۲، در بین سایر متنها، به ما آموزش میدهد، به ما فرمان میدهد که مالیاتهامون رو با روشی که بلدیم از طریقش پول در بیاریم، بپردازیم. کلام، قطعاً، هرگز به ما فرمان نمیده که برای بدست آوردن پول مالیات ماهی بگیریم. در عوض، کلام به وضوح آموزش میدهد که ما خودمون مسئول بدست آوردن آن پول هستیم.

حالا، در مورد گرفتن ماهی فکر کنین.

۱ بعد از آن عیسی باز خود را در کناره دریای طبریّه، به شاگردان ظاهر ساخت و بر اینطور نمودار گشت: ۲ شمعون پطرس و تومای معروف به توأم و نتنائیل که از قانای جلیل بود و دو پسر زبدي و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند. ۳ شمعون پطرس به ایشان گفت: «می روم تا صید ماهی کنم.» به او گفتند: «مانیز با تو می آییم.» پس بیرون آمده، به کشتی سوار شدند و در آن شب چیزی نگرفتند. ۴ و چون صبح شد، عیسی بر ساحل ایستاده بود لیکن شاگردان ندانستند که عیسی است. ۵ عیسی بدیشان گفت: «ای بچه ها نزد شما خوراکی هست؟» به او جواب دادند که «نی.» ۶ بدیشان گفت: «دام را به طرف راست کشتی بیندازید که خواهید یافت.» پس انداختند و از کثرت ماهی نتوانستند آن را بکشند. (یوحنا ۱: ۲۱-۶).

شاگردان دوره ی سختی رو در ماهی گیری سپری می کردن، پس مسیح فقط گفت، "شما باید به این منطقه برید، تور خودتونو از آن طرف بیاندازید، و تعداد کثیری از آنها را صید خواهید کرد." بنابراین آنها همون کاری روانجام دادند که مسیح گفت . مسیح به این طریق عمل کرد. مسیح به ماهی ها فرمان داد که به آن سمت کشتی بیان ، و بعد اونا رو خوردند. کاش به همین آسونی بود. فقط سوار کشتی بشی، ووقتی تصمیم گرفتی که از کجا ماهی میخوای، بهشون بگی بیا اونجا و آنها رو به داخل بیاری. برای مایا اینطور نیست. باید همیشه منتظر ماهی بمونی که به یه جایی نزدیک کشتی بیاد، و بعد بخوریش. ما هنوز قراره که غذا مونو پیدا کنیم، اما روشی که برای این کار استفاده می کنیم، متفاوته.

در حکایت راه رفتن بر روی آب درمتی ۱۴، مسیح ایمان را با راه رفتن بر روی سطح آب ابراز کرد.

۲۴ اما کشتی در آن وقت در میان دریا به سبب باد مخالف که می وزید، به امواج گرفتار بود ۲۵ و در پاس چهارم از شب، عیسی بر دریا خرامیده، به سوی ایشان روانه گردید . ۲۶ اما چون شاگردان، او را بر دریا خرامان دیدند، مضطرب شده، گفتند که خیالی است؛ و از خوف فریاد برآوردند . ۲۷ اما عیسی ایشان را بی تأمل خطاب کرده، گفت: «خاطر جمع دارید! منم، ترسان مباشید!» ۲۸ پطرس در جواب او گفت: «خداوندا، اگر تویی مرا بفرما تا بر روی آب، نزد تو آیم.» ۲۹ گفت: «بیا!» در ساعت پطرس از کشتی فرود شده، بر روی آب روانه شد تا نزد عیسی آید . ۳۰ لیکن چون باد را شدید دید، ترسان گشت و مشرف به غرق شده، فریاد بر آورده، گفت: «خداوندا، مرا دریاب.» ۳۱ عیسی بی درنگ دست آورده، او را بگرفت و گفت: «ای کم ایمان، چرا شک آوردی؟» ۳۲ و چون به کشتی سوار شدند، باد ساکن گردید . ۳۳ پس اهل کشتی آمده، او را پرستش کرده، گفتند: «فی الحقیقه تو پسر خدا هستی.» (متی ۲۴: ۱۴-۳۳).

آیا تا به حال به ما فرمان داده شده که برای بیان ایمان چنین کاری بکنیم؟ نه. در مورد ما، ما ایمانمان را با قدم زدن از وسط آبهای عمیق، و زمانهای سخت، با اعتماد به خدا و حفظ تمرکز خود بر مسیح، ابراز می کنیم. اینجا یک تغییر در حالت وجود دارد.

به غذا دادن به گرسنگان فکر کنید. مسیح در یوحنا باب ۶ چه کار کرد؟ او ۵۰۰۰ نفر را غذا داد.

۱۰ عیسی گفت: "مردم را بنشانید." و در آن مکان، گیاه بسیار بود، و آن گروه قریب به پنج هزار مرد بودند که نشستند. ۱۱ عیسی نانها را گرفته و شکر نموده، به شاگردان داد و شاگردان به نشستگان دادند؛ و همچنین از دو ماهی نیز به قدری که خواستند. ۱۲ و چون سیر گشتند، به شاگردان خود گفت: "پاره های باقی مانده را جمع کنید تا چیزی ضایع نشود." ۱۳ پس جمع کردند و از پاره های پنج نان جو که از خوردن گان زیاد آمده بود، دوازده سبد پر کردند. (یوحنا ۱۰: ۶-۱۳).

او خود را به عنوان خدا با فراهم کردن غذا به طرزی معجزه آسا برای نیازمندان، آشکار می سازد. او دعا می کند و غذا آنجاست. قطعاً، برای ما اینطور نیست. حالا، اینطوری هم نیست که قرار نباشد ما به نیازمندان غذا بدهیم. آیا قراره که ما به نیازمندان غذا بدهیم؟ بله، اما برای ما، همون طور که کار می کنیم دعا می کنیم که بتوانیم غذای نیازمندان رو فراهم کنیم. چرا ما امروزه فقط از طریق چیزهای ماوراء طبیعی غذای نیازمندان رو تأمین نمی کنیم؟ چرا به روستاهای فقیر نمی ریم و به سادگی دعا نمی کنیم و انتظار آمدن غذا رو نداریم؟ زیرا خدا در افسسیان باب ۴ و دوم قرنتیان باب ۹ و ۹ فرموده، "منابع خود را برای کمک به آنانی که نیازمندند، قربانی کنید." این چیزیه که او فرمان انجامشو به ما میده. به سوی خدا دعا کنیم تا از ماحصل کاری که می کنیم، غذای نیازمندان رو فراهم کنیم.

راجع به صحبت کردن فکر کنید. به طرز عکس العمل مردم زمانی که عیسی سخن می گفت، فکر کنید.

۲۱ « شنیده اید که به اولین گفته شده است " قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حکم شود ".
۲۲ لیکن من به شما میگویم، هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد، مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید، مستوجب قصاص باشد و هر که احق گوید، مستحق آتش جهنم بود. (متی ۵: ۲۱-۲۲).

ما باید بفهمیم که مسیح یک قدرت ذاتی داشت. او می تونست بگه، " من به تو میگویم " این، و هر چه که گفته بود کلام خدا بود. برای من و شما این طور نیست. برای ما، اون یک قدرت ذاتی نیست،

بلکه قدرتی اکتسابی است. من این قدرت رو دارم که در مورد کلام خدا صحبت کنم اما فقط تا جایی که در مورد چیزی صحبت کنم که کتاب مقدس می گه. من نمی گم که، "من به شما می گویم،" و اون معتبره. قطعاً خیر. قدرت من تنها صحبت کردن از کلام خداست. این عمل کاملاً به کلام و اقتدار کلام وابسته است. اون از خدا در کلامش بدست اومده.

راجع به بخشش گناهان فکر کنید.

۸ در ساعت عیسی در روح خود ادراک نموده که با خود چنین فکر می کنند، بدیشان گفت: "از بهر چه این خیالات را به خاطر خود راه می دهید؟ ۹ کدام سهل تر است؟ مفلوج را گفتن گناهان تو آمرزیده شد؟ یا گفتن برخیز و بستر خود را برداشته بخرام؟ ۱۰ لیکن تا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست..." مفلوج را گفت: ۱۱ "تو را می گویم برخیز و بستر خود را برداشته، به خانه خود برو" ۱۲! او برخاست و بی تأمل بستر خود را برداشته، پیش روی همه روانه شد بطوری که همه حیران شده، خدا را تمجید نموده، گفتند: "مثل این امر هرگز ندیده بودیم! (متی ۸: ۲-۱۲).

مسیح، او اقتدار بخشش گناهان را داشت. من و شما آن قدرت را نداریم. در عوض، ما سفیرانی هستیم که بخشش گناهان را اعلان می کنیم. ما بخشش او را اعلان می کنیم. ما هنوز با نیاز بخشش مردم روبرو هستیم، اما اینجا یک تغییر حالت کاملاً متفاوت وجود دارد.

زمانی که به زنده کردن مردگان، در یوحنا ۱۱ می آییم، مسیح می گوید، "ایلعازر بیرون بیا."

۴۱ پس سنگ را از جایی که میت گذاشته شده بود برداشتند. عیسی چشمان خود را بالا انداخته، گفت: "ای پدر، تو را شکر می کنم که سخن مرا شنیدی. ۴۲ و من می دانستم که همیشه سخن مرا می شنوی؛ و لکن بجهت خاطر این گروه که حاضرند گفتم تا ایمان بیاورند که تو مرا فرستادی" ۴۳. چون این را گفت، به آواز بلند ندا کرد: "ای ایلعازر، بیرون بیا" ۴۴. در حال آن مرده دست و پای به کفن بسته بیرون آمد و روی او به دستمالی پیچیده بود. عیسی بدیشان گفت: "او را باز کنید و بگذارید برود. (یوحنا ۴۱: ۴۱-۴۴).

مسیح هرگز در مراسم تشییع جنازه موعظه نکرد؛ هر دفعه که در عهد جدید او موعظه ای رو شروع می کرد، مراسم تشییع جنازه به پایان می رسید. برای ما اینطور نیست. او مسیحه، و چیزی که شما دارید اینه که زنده کردن مردگان هم یک امر اقتدار گونه هست و هم یک دعوت انجیل. خیلی زمانها هست که او به یک انسان مرده می گوید، "برخیز و زنده شو،" و او انجام می ده. زمانهای دیگری هست که او مردم را به توبه دعوت می کند، که به پدرش اعتماد داشته، و شما تا ابد در قیام و زنده بودن، زندگی خواهید کرد. حال برای ما، ما قبلی را انجام نمی دهیم، ما فقط دومی را انجام می دهیم، یعنی دعوت به انجیل. ما مردم را به زندگی ابدی می خوانیم. ما در حال پرداختن به این کار هستیم، رستخیز از بین مردگان، اما به مردم می گوییم که پیغام انجیل رو دریافت کنن، ما بهشون نمی گیم که بلند شو و قدم بزن.

راجع به کنترل کردن هوا فکر کنید. در مرقس ۴، مسیح سخن می گوید و هوا اطاعت می کند.

۳۵ و در همان روز وقت شام، بدیشان گفت: "به کنار دیگر عبور کنیم" ۳۶. پس چون آن گروه را رخصت دادند، او را همانطوری که در کشتی بود برداشتند و چند زورق دیگر نیز همراه او بود. ۳۷. که ناگاه طوفانی عظیم از باد پدید آمد و امواج بر کشتی می خورد بقسمی که بر می گشت. ۳۸. و او در مؤخر کشتی بر بالشی خفته بود. پس او را بیدار کرده گفتند: "ای استاد، آیا تو را باکی نیست که هلاک شویم؟" ۳۹. در ساعت او برخاسته، باد را نهیب داد و به دریا گفت: "ساکن شو و خاموش باش!" که باد ساکن شده، آرامی کامل پدید آمد. ۴۰. و ایشان را گفت: "از بهر چه چنین ترسانید و چون است که ایمان ندارید؟" ۴۱. پس بی نهایت ترسان شده، به یکدیگر گفتند: "این کیست که باد و دریا هم او را اطاعت می کنند؟" (مرقس ۳: ۴۰-۴۱).

ما، ما دعا می کنیم و خدا پاسخ می دهد. ما نمی گیم، "ابرها از اینجا برید. بادهای و موجها، متوقف بشید." ما اینطوری صحبت نمی کنیم. به ما گفته نشده که اون کار رو بکنیم. به ما فرمان داده نشده که اون طور عمل کنیم. ما دعا می کنیم و خداوند پاسخ می دهد.

راجع به شفا دادن بیماران فکر کنید. مسیح این قدرت رو داشت که فرمان بده، به یک شخص که شفا بیابه، و به سرعت، او شفا پیدا می کرد. ۲۳ هر که گوش شنوا دارد بشنود ۲۴ و بدیشان گفت: "با حذر باشید که چه می شنوید، زیرا به هر میزانی که وزن کنید به شما پیموده شود، بلکه از برای شما

که می شنوید افزون خواهد گشت ۲۵. زیرا هر که دارد بدو داده شود و از هر که ندارد آنچه نیز دارد گرفته خواهد شد. (مرقس ۲۳: ۴-۲۵).

سپس، به عهد جدید می آییم، این موضوع نیست. ما برای شفا شفاعت می کنیم. همون طور که یعقوب ۵ می گه، ما به عنوان بزرگان در کلیسا دور هم جمع می شویم و برای یکدیگر دعا می کنیم.

بنابراین، اینها موارد متفاوتی هستند. حال، در مورد جنگ روحانی فکر کنید.

۶ چون عیسی را از دور دید، دوان دوان آمده، او را سجده کرد، ۷ و به آواز بلند صیحه زده، گفت: "ای عیسی، پسر خدای تعالی، مرا با تو چه کار است؟ تو را به خدا قسم می دهم که مرا معذب نسازی." ۸ زیرا بدو گفته بود: "ای روح پلید از این شخص بیرون بیا." ۹ پس از او پرسید: "اسم تو چیست؟" به وی گفت: "نام من لجنون است زیرا که بسیاریم." ۱۰ پس بدو التماس بسیار نمود که ایشان را از آن سرزمین بیرون نکند. ۱۱ و در حوالی آن کوهها، گله گراز بسیاری می چرید. ۱۲ و همه دیوها از وی خواهش نموده، گفتند: "ما را به گرازها بفرست تا در آنها داخل شویم." ۱۳ فوراً عیسی ایشان را اجازت داد. پس آن ارواح خبیث بیرون شده، به گرازان داخل گشتند و آن گله از بلندی به دریا جست و قریب بدو هزار بودند که در آب خفه شدند. (مرقس ۶: ۵-۱۳).

این داستانی از مرقس ۵ هست که من اینجا قرار دادم، مسیح از اشخاص دیوها رو اخراج می کرد. این چیزیه که عیسی در اینجا و جاهای دیگه انجام میده، اما اینجا چیزیه که می خوام بهش توجه کنین. به ما هیچ گاه فرمان داده نشده که دیوی از افراد اخراج کنیم. بعضی ها ممکنه به لوقا ۱۰ به تنها مثال اشاره کنند که این موضوع مطرح شده، و مفاهیم عظیمی در اون متن برای فهم ما از مأموریت امروز مان وجود داره. اما، در اون متن عواملی وجود داره که با امروز ما متفاوته. آنها در حال رفتن به یک مکان خاص، در یک زمان خاص، در یک سرزمین خاص، در یک زمان خاص که جایی که پادشاهی خداوند آمده بود، و در اونجا در حضور عیسی بودند. ما در اناجیل یک فرمان اخراج دیو از اشخاص رو نمی بینیم. در حقیقت، وقتی که متی، مرقس، لوقا و اعمال رسولان، رو مطالعه کنید، اون رو دوباره در عهد جدید نمی بینید. مردمی که دیوها رو اخراج می کنن هر جایی

حاضر نیستند. این چیزیه که در مسیح می بینیم، و در بعضی از رسولان او، در کتاب اعمال رسولان می بینیم، اما زمانی که از اعمال رسولان وارد رومیان می شویم، هیچ چیز در مورد اخراج دیوها از مردم در باقی عهد جدید نمی شنویم.

من بر این تمرکز می کنم چونکه می خواهم که حداقل در عهد جدید، متوجه بشیم که جنگ روحانی در کلیسا به طور عمده در رابطه با اخراج دیوها از مردم نیست. من در این مورد در لحظه ی پیش رو بیشتر آموزش خواهم داد، اما چیزی که ما در کلیسای عهد جدید می بینیم، وقتی که به جنگ روحانی می رسم، تأکیدی بر طرد روح پلید و افسونگری ها و اجبار کردن و از دست دادن و اخراج کردن این و آن وجود ندارد. در عوض، ما یک تأکید مشهود، استوار، بر این می بینیم که می گه جنگ نیکوی ایمان را بجنگید و خودمان توبه می کنیم و دیگران را به توبه فرا می خوانیم. اون جنگ روحانیه. این همون طرز تفکری است که در عهد عتیق دیده ایم، و طرز تفکری است که در اناجیل از جنگ عیسی با شر اخلاقی دیده ایم، و طرز تفکری است که در کلیسا و جنگ روحانی می بینیم. به ما هرگز فرمان اخراج دیو از افراد داده نشده.

اینجا جایی هست که جنگ روحانی در گرفته است. راجع به این فکر کنید: مکاشفه باب ۲ و ۳ داستانی از هفت کلیسای متفاوت در عهد جدید در میان نبرد را ارائه می دهد. جالبه. کلیسایی در افسس، از میر، پرغامس، ولانودکیه که در مرکز بت پرستی و کفر تولد یافته که تمام انواع دیو پرستی شایع بود. جالبه که، وقتی مسیح با آنها صحبت می کنه، ما در هیچ نقطه ای در مکاشفه ۲ و ۳، و نیز سایر نامه ها به کلیسا ها در عهد جدید، چیزهایی که امروزه در مکالمات روزانه بین مسیحیان پیرامون جنگ روحانی گفته می شود را نمی بینیم.

اجازه بدید که بهتون چند مثال ارائه بدم. بسیاری از نوشته های امروز در مورد این صحبت میکنه که مثلاً ما در شهر قدم می زنیم و سر هر پیچ شیطان رو به نام عیسی نهیب می زنیم. این شامل بیرون کردن دیوها از مکانهای خاص هم میشه. روشهای مختلفی برای اخراج دیوها وجود داره. یکی از آنها، کتاب راهنمای رستگاری، می گوید،

در رستگاری، ما از ارواح و امیالی که قلبمان را پیچ و تاب و ذهنمان را فریب می دهند، آزاد شده ایم. یک روح چیست؟ خشم یک روح است. رنجش و ترحم به خود روح هستند. نفرت، حسادت، مریضی، نگرانی، فریب، خودبینی، ترس، سرکشی، خشم، تشویش، خجالت، خودسری، پریشانی، ناراحتی، تهمت، اعتیاد، غرور، قانون

پرستی، همجنس گرایی، شکایت، دروغ گویی؛ تمام اینها نام روح ها هستند. اگر در هر زمانی از زندگی خود چنین روح یا تمایلی رو نشون دادی پس هنوز اون رو درون خودتون مخفی کردین، و تا زمانیکه از اون آزاد نشده باشید اون هنوز وجود داره.

بنابراین، این کتاب ادعا کرده که شما باید با مقید کردن یا اخراج ارواح مشخص رستگاری را تجربه کنید. برای انجام آن، آنها می گن، به سادگی این دعا رو بگید، "من تو را ای روح (فلان) در نام و خون مسیح نهیب می دهم و مقید می کنم، به تو فرمان می دهم که همین الان کلاً و به طور کامل مرا ترک کنی. ازت متشکرم عیسی مسیح." بعضی ها در این مسئله به تفصیل شرح می دهند و می گویند، "مستقیماً با دیو صحبت کرده و سرفه کنید و آن را بیرون بیاندازید." اون برای چیه؟" سرفه کردن گاهی اوقات برای آزاد کردن روح لازمه. به اندازه ی لازم تا وقتی که بیاد بیرون سرفه کنید. اگر روح به صورت از هم گسیخته یا خشمگینانه آشکار بشه، ممکنه که بهش فرمان داده بشه. به دیو اجازه ی صحبت کردن و دگرگون کردن کلمات دعا رو ندید. اگر دگرگون بشه، دیو دیگه مجبور به اطاعت از اون نیست، و دیو این رو می دونه." اینها نمونه هایی از چیزهایی هستند که در اون بیرون وجود دارند. اون خیلی شایعه، و انواع مختلفی در آنها هست، که برخی از اونها نسبت به بقیه بیش تر شایع هستند.

بنابر این چگونه ما در جنگ روحانی می جنگیم؟

از شما می خوام که به زمانی فکر کنید که عیسی شانس صحبت کردن با هفت کلیسایی را پیدا کرد که در مرکز فلسفه ی مرموز بت پرستی بودند، جایی که تمام انواع روح ها شایع بود، ، او چی گفت؟ به کلیسای واقع در افسس، کلیسایی که توسط بت پرستی و فساد احاطه شده. معبد دیانا، آرتمیس، و بسیاری از بت ها در افسس قرار داشت خیلی از همجنس گرا ها، هزاران راهبه فاحشه که در مجموعه های موسیقی، مجالس و مستی دور هم جمع می شدند. خیلی ها پیرو خطوط نیکلانیان یا فساد جنسی بودند، و مسیح به آنها نمی گه که "دیوهای فساد جنسی و بت پرستی را اخراج کنید. داعی را ترتیب دهید و دور معبد دیانا راه بروید و آن روحها را در بند بکشید." نه او به آنها میگه ، "از گناه خود توبه کنید." مکاشفه ۲:۵، "از گناه خود توبه کن و محبت اولت را احیا کن. مرا دوست داشته باش." جنگ روحانی در قلب انجام میشه، و در عواطف وجود شما.

سپس، از میر، کلیسایی که با آزار و اذیت مواجه شده بود. آنها از طریق آزار و اذیت با مقاومت شیطانی مواجه بودند. مسیح چی می گه؟ "شیطان و تمام نیروهاش رو مقید کنین؟" نه. به جای اون، ما در اینجا چیزی رو می بینیم که در سایر جاهای کتاب مقدس هم دیده ایم. خداوند در حال حکومت بر این آزار و اذیتها بود، و از اونها برای رسیدن به اهدافش استفاده می کرد. بنابراین، مسیح به آنها می گوید، "با ایمان به خداوند اعتماد کنید، و در صبر باقی بمانید. با ایمان باشید، حتی تا نقطه ی مرگ، و من به شما حیات خواهم بخشید." جنگ روحانی اینه.

پرخاموس، کلیسایی که در میان تخت شیطان مسکن دارد. او دقیقاً می گه که، "شما در مرکز تخت شیطان مسکن دارید." اون شهری سخت دارای مذبحی بزرگ برای زنوس بود. یک خدای شفا در پرخاموس بود که با مارها کار می کرد، و روشی که از طریقش از بیماری خود شفا می یافتید این بود که میرفتین و روی زمین دراز می کشیدین و اجازه می دادین که مارها بر روی بدنتون بخزن. این مکان خراب شده بود، اما هنوز در آن میان، خداوند به اونها نمی گفت که برین اطراف بچرخین و شیطان رو نهیب بزنید و مقیدش کنین. در عوض، او می گه، "در افکار خالص باشید، و در عمل خالص باشید. این روشی هست که می تونید با دشمن بجنگید."

طیاتیرا، کلیسایی که در تعلیم غلط غرق شده بود. یک معلم دروغگو، که نامش در متن ایزابل است، کسی که همه نوع از افراد رو با تعالیم خودش به سمت بت پرستی و فساد اخلاقی هدایت کرده بود. مسیح به اونها نگفت که دیوها رو از ایزابل خارج کنن یا ایزابل رو ملزم کنن، اما در عوض مسیح گفت، "به حقیقت مقدس گوش دهید، و به زندگی مقدس متعهد باشید." جنگ روحانی اینه.

مکاشفه ۳ با ساردس، کلیسایی که اساساً مرده بود، شروع می شه. اون در حال مرگ روحانی بود، و نامه ای که خطاب به آنها بود دقیقاً می گه که، "از گناه بر گردید، و به مسیح روی گردانید. اینطوری هست که از تاریکی به روشنایی وارد می شین."

فیلاذفیه، کلیسایی که مخالفت می کند – دقیقاً می گه که "مخالفت شده توسط کنیسه ی شیطان." اونها یهودیان غیر ایمانداری بودن که مخالف انجیل در فیلاذفیه بودن. اونها ایمانداران رو آزار می دادن، و ایمانداران در حال مبارزه با وسوسه ی بازگشت به عقب همراه با ترس بودن. مسیح گفت، "کلام مرا نگاه دارید و نام مرا اعلان نمایید." کلام او را نگاه دارید و نامش را اعلان نمایید. اینجا جایی است که نبرد جنگ روحانی در گرفته، در اعلان انجیل. این حقیقت رو از دست ندین:

اونها قرار نبود که اطراف فیلادلفیه برن و برای از بین بردن ارواح فیلادلفیه دعا کنن. در عوض، اونها باید به دور و اطراف فیلادلفیه برای بشارت انجیل می رفتن، و اون جنگ روحانی بود.

لائودکیه، کلیسایی که بی اشتیاق بود، که تمام پول و مظاهر دنیا رو داشت، و مسیح گفت، "تو فقیر و عریان هستی. تو فکر می کنی که ثروتمندی، اما پوچ هستی." او به اونها می گه، "گنجها رو در مسیح بجوید. زندگی هاتون رو در مسیح بیوشانید." تصویرعالی ای اونجا هست. "همچنین، چشمهاتون رو بر مسیح ثابت نگه دارید."

توصیفی که در همه ی این هفت کلیسادییم حاکی از اینه که تمامی این هفت کلیسا در قرن اول درگیر نبرد روحانی شدیدی هستند، و مسیح حتی یکبار هم به اونها نگفته که از طریق اخراج کردن، مقید کردن، نهیب زدن، یا سرزنش کردن دیوها وارد نبرد روحانی بشن یا اینکه درجنگ روحانی با رده ی بالا شرکت کنند. در عوض، بارها و بارها مجدداً، می گه، "توبه کنید. به مسیح روی کنید. خالص باشید. مقدس باشید. توبه کنید. عشق اول خودرا اعلان کنید. سپس، عشق اول خود را در تمام شهری که شما را احاطه کرده اعلان کنید." این جنگ روحانی درعهد جدید هست.

حالا، بعضی افراد ممکنه اینجا بگن، "شما متوجه نیستین. خیلی چیزها در نقاط مختلف دنیا در حال اتفاق افتادن هستن که انواع مختلف جنگ روحانی رو گواهی می دن." این دقیقاً نکته ای هست که من می خوام بگم. اگر جایی قرار بود نوعی از جنگ روحانی که امروزه در بحثهای بین مسیحیان بسیار شایع هست جریان داشته باشه، چه جایی بهتر از این هفت کلیسا که در موردشون صحبت کردیم. اما حتی در مورد این مسئله، مسیح دقیقاً داره میگه، "به خدا اعتماد داشته باشید. از گناه توبه کنید و انجیل را اعلان کنید."

بنابراین، زمانی که به جنگ روحانی در عهد جدید فکرمی کنین، می خوام که در ذهنمون به عقب برگردیم و بفهمیم که تمام چیزی که در عهد جدید می بینیم جنگ روحانیه که در جریانیه، اما اونقدرها هم فریبنده و خیالی نیست که، دیوها رو اخراج کنین و مقیدشون کنین. نه، این حرفه ی ثابت عیسی مسیح نیست، بارها و بارها بازگشت از گناه و رساندن مژده انجیل به آن سوی زمین. را به عنوان جنگ روحانی امروز ما اعلام کرده.

زمانی که به عهد جدید نگاه می‌کنین، چیزی که در شرایط جنگ روحانی مشاهده خواهید کرد، دو فعالیت عمده و اساسی هست. چگونه عهد جدید به ما می‌گه که باید در جنگ روحانی مبارزه کنیم؟ شماره ی یک، محکم بایستید. این یک حالت دفاعیه. به افسسیان ۶ نگاه کنین. این یکی از متون اصلی هست که قراره بقیه ی شب رو راجع بهش مطالعه کنیم. به یاد داشته باشین، در مرکز افسس چی در جریانیه. افسس دارای معبد دیانا بود، و تمام این خدایان و الهه ها پرستیده می‌شدن.

بت پرستی و فساد اخلاقی ای وجود داره، و پولس می‌گه، "بایست." این کاریه که شما می‌کنین. چهار دفعه می‌گه، "بایست." جوشن تام خدا را بپوشید بنا بر این می‌توانید بایستید. "زیراون قسمت خط بکشین." لهند اجوشن تام خدا را بپوشید، "دو تا آیه پایین تر،" بنابراین زمانی که روز شریر بیاید شما قادرید که مقاومت کنید، "دفعه ی دوم،" پس از اینکه همه کار را برای ایستادن انجام دادید. "دفعه ی سوم،" پس محکم بایستید.

جنگ روحانی ایستادن و مقاومت کردن در برابر شیطان هست. اون ایستادن در برابر وسوسه ها و حمله های دشمن است.

۸ هشیار و بیدار باشید زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غران گردش می‌کند و کسی را می‌طلب تا ببلعد. ۹ پس به ایمان استوار شده، با او مقاومت کنید، چون آگاه هستید که همین زحمات بر برادران شما که در دنیا هستند، می‌آید. ۱۰ و خدای همه فیضها که ما را به جلال ابدی خود در عیسی مسیح خوانده است، شما را بعد از کشیدن زحمتی قلیل کامل و استوار و توانا خواهد ساخت. ۱۱ او را تا ابدالابد جلال و توانایی باد، آمین. (اول پطرس ۵: ۸-۱۱).

به اول پطرس ۵ گوش کنین، "دشمن شما ابلیس مانند شیر غران گردش می‌کند و کسی را می‌طلب تا ببلعد." پس، شما باید چه کار کنید؟ در مقابلش مقاومت کنین، و در ایمان محکم بایستید. در مقابل شیطان مقاومت کنید. زمانی که عهد جدید در رابطه با جنگ روحانی داره صحبت می‌کنه، مقصود اینه که: بایستید، مقاومت کنید، محکم و استوار باشید. یعقوب میگه، "خودتان را تسلیم خدا کنید، در مقابل او مقاومت کنید، و او از شما فرار خواهد کرد." به شما قول میدم که پیروزی از این قدرتمند تر نمیشه.

۷ پس خدا را اطاعت نمایید و با ابلیس مقاومت کنید تا از شما بگریزد. ۸ و به خدا
تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید. دستهای خود را طاهر سازید، ای گناهکاران و
دل‌های خود را پاک کنید، ای دودلان. ۹ خود را خوار سازید و ناله و گریه نمایید و
خنده شما به ماتم و خوشی شما به غم مبدل شود. ۱۰ در حضور خدا فروتنی کنید تا شما
را سرافراز فرماید. (یعقوب ۷: ۴-۱۰).

بایستید، برادران و خواهران، و شیطان فرار خواهد کرد. اون یک وعده هست. اگر می خواهید در
جنگ روحانی بجنگید، محکم بایستید.

این حالت دفاعی در جنگ روحانیست، سپس دومی، با فشار به جلو بروید. این یک تاکتیک حمله
هست. به قلمرو دشمن حمله کنید. این شکل حمله در مأموریت بزرگ است، و اونجا جایی هست که
کل متن در افسسیان ۶ به سمتش هدایت می شه. این حقیقت رو فراموش نکنید. ۱۹ و برای من نیز تا
کلام به من عطا شود تا با گشادگی زبان سر انجیل را به دلیری اعلام نمایم، ۲۰ که برای آن در زنجیرها
ایلیچی گری می کنم تا در آن به دلیری سخن گویم، بطوری که می باید گفت. (افسسیان ۱۹: ۶-۲۰).

خدمت پولس اعلان پر تکاپوی پیغام انجیل بود. پس، دو عمل اولیه و عمده در جنگ روحانی در
کلیسای عهد جدید وجود داره. اول، محکم بایستید، در مقابل طرح های شیطان مقاومت کنید. دوم، با
فشار به سمت جلو حرکت می کنیم، به قلمرو دشمن حمله می کنیم، و سه جبهه ی عمده، وجود داره
که این جنگ در اونها داره انجام می شه. کتاب مقدس سه راه یا سه خیابان رو که شریر از
طریقشون به ما حمله می کنه رو آموزش میده. اولی جهانه. دومی جسمه، و سومی شیطان.

شما هر سه ی اینها رو در افسسیان ۲ خواهید دید.

۱ و شما را که در خطایا و گناهان مرده بودید، زنده گردانید، ۲ که در آنها قبل، رفتار
می کردید بر حسب دوره این جهان، بر وفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحی که الحال در
فرزندان معصیت عمل می کند. ۳ که در میان ایشان، همه ما نیز در شهوات جسمانی خود
قبل از این زندگی می کردیم و هوسهای جسمانی و افکار خود را به عمل می آوردیم و
طبعاً فرزندان غضب بودیم، چنانکه دیگران. (افسسیان ۲: ۱-۳).

شما هر سه ی اینها رو در یعقوب ۳، خواهید دید، ۱۵ این حکمت از بالا نازل نمی شود، بلکه دنیوی و نفسانی و شیطانی است. (یعقوب ۱۵: ۳). و همچنین در اول یوحنا، خواهید دید که شریر به عنوان دنیا، جسم و شیطان توصیف شده.

۱۵ دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست. ۱۶ زیرا که آنچه در دنیاست، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است. ۱۷ و دنیا و شهوات آن در گذر است لکن کسی که به اراده خدا عمل می کند، تا به ابد باقی می ماند. (اول یوحنا ۱۵: ۲-۱۷).

۷ ای فرزندان، کسی شما را گمراه نکند؛ کسی که عدالت را به جا می آورد، عادل است چنانکه او عادل است. ۸ و کسی که گناه می کند از ابلیس است زیرا که ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است. و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد. ۹ هر که از خدا مولود شده است، گناه نمی کند زیرا تخم او در وی می ماند و او نمی تواند گناهکار بوده باشد زیرا که از خدا تولد یافته است. ۱۰ فرزندان خدا و فرزندان ابلیس از این ظاهر می گردند. هر که عدالت را بجا نمی آورد از خدا نیست و همچنین هر که برادر خود را محبت نمی نماید. (اول یوحنا ۷: ۳-۱۰).